

یادداشت

تنش کنترل شده میان ایران و غرب



رحمان قهرمان پور

کارشناس مسائل بین الملل

گرچه اتفاقات رخ داده طی ماه‌های گذشته باعث شده تا روابط میان ایران و غرب بیش از گذشته مستعد تنش باشد، اما از نشانه‌های موجود نمی‌توان به این زودی نتیجه گرفت که تقابل میان ایران و غرب به یک نقطه تقابل اساسی رسیده‌اند. ولی مشخص است که آمریکا و کشورهای غربی در سیاست‌های خود در قبال ایران تغییراتی ایجاد کرده یا در حال ایجاد تغییر هستند. یعنی به نوعی در حال تغییر مسیر روابطشان با ایران هستند. حالا اینکه تغییر مسیر آنها منجر به فشار بیشتر یا حمله نظامی شود، باید صبر کنیم و ببینیم. خیلی زود است که بتوانیم چنین تحلیل و جمع بندی ارائه کنیم. زیرا نشانه‌های خیلی دقیقی وجود ندارد. به نظر می‌رسد آنها بر اساس حرف‌های مقامات ایالات متحده از جمله رئیس سیا که برخی مقامات اروپایی هم تأیید کردند، به این باور رسیده‌اند که ایران ضعیف شده است و سعی دارند از این فضای ایجاد شده استفاده کنند و فکر می‌کنند برخلاف گذشته هزینه تقابل با ایران کمتر شده است. با توجه به اظهارات آقای امیرعبداللهیان و برخی مقامات، به نظر می‌رسد ایران هم سکوت نخواهد کرد و اقدامات متقابلی را در دستور کار قرار داده است. به همین دلیل هم بود که وقتی تحریم‌هایی از سوی غربی‌ها انجام شد، ایران هم برخی افراد و نهادهای آنها را تحریم کرد. یعنی ایران هم در تلاش است که از ابزارهایی که در اختیار دارد استفاده کند. البته تأثیر گذاری تحریم‌ها عمدتاً به این بستگی دارد که در بازارهای مالی و اقتصادی جهانی ابزارهایی داشته باشیم و کشوری موفق است که نفوذ و تأثیر گذاری بیشتری در این بازاها داشته باشد. از سوی دیگر مقامات ایرانی مساله مذاکره را هم مدنظر دارند که از این زاویه می‌توان این گونه برداشت کرد که در دیدگاه جمهوری اسلامی هنوز پرونده احیای برجام بسته نشده است که این می‌تواند یکی از عوامل بازدارنده در رابطه ایران با غرب باشد. البته اینکه گفته می‌شود تحولات چند ماهه اخیر باعث ایجاد تنش و احتمال تقابل نظامی ایران و آمریکا خواهد شد باید گفت؛ در مساله حمله نظامی سه موضوع مدنظر قرار می‌گیرد، نخست، امکان حمله نظامی؛ دوم، هزینه‌های حمله نظامی و سوم ضرورت حمله نظامی؛ بنابراین زمانی حمله نظامی صورت می‌گیرد که همه اینها در کنار یکدیگر جمع شوند که در حال حاضر اینگونه نیست. زیرا در مقوله «امکان جنگ»، اما و اگرهای بسیاری وجود دارد که اصلاً چرا این جنگ باید انجام شود؟ بنابراین به نظر می‌رسد که همچنان احتمال جنگ دور از ذهن باشد. رزمایش جدید آمریکا و اسرائیل را هم در همین راستا می‌توان تحلیل کرد. یعنی از یک طرف یک جنگ روانی و تبلیغاتی بود و از طرف دیگر به این معنی است که آن‌ها در حال آماده شدن برای تقابل با ایران هستند.

دریچه

سفیر ایران نزد سازمان ملل:

تحریم‌های یکجانبه توان دولت‌ها را برای مقابله با حوادث طبیعی کاهش می‌دهد

سفیر و معاون نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد در نیویورک اظهار کرد: تحریم‌ها اگر چه توان کشورها را در مقابله با بلایای طبیعی کاهش می‌دهد، با این حال ایران با همکاری آژانس‌های سازمان ملل متحد، کنفرانس بین‌المللی مبارزه با طوفان‌های شن و گرد و غبار را در سال ۲۰۲۳ برگزار خواهد کرد. زهرا ارشادی که در مجمع عمومی سازمان ملل و در نشست «تقویت هماهنگی کمک‌های بشر دوستانه و کمک‌های بشر دوستانه سازمان ملل متحد، از جمله کمک‌های ویژه اقتصادی» سخنرانی می‌کرد دیدگاه‌های کشورمان در این رابطه را تشریح و خاطر نشان کرد: جامعه بین‌المللی همچنان با چالش‌های نوظهور و در حال تحولی مواجه است. وی افزود: با افزایش روزافزون مردمی که از اثرات بلایای طبیعی، درگیری‌های مسلحانه و اشغال خارجی، همه‌گیری کرونا، تحریم‌های یک‌جانبه و محاصره کشورها رنج می‌برند، ظرفیت این کشورها برای رویارویی با این چالش‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافته و در عین حال مانع از توسعه کشورهای آسیب دیده از فاجعه شده است. در منطقه غرب آسیا، وضعیت بشردوستانه در افغانستان، سوریه، فلسطین و یمن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به رنج عظیمی برای مردم این کشورها منجر شده است. علاوه بر این، در منطقه ما، هجوم گسترده افتادنه‌های آواره به کشورهای همسایه نزدیک آن، از جمله ایران، این فاجعه را به‌شدت تشدید کرده است. سفیر و معاون نمایندگی ایران نزد سازمان ملل افزود: ما قویا بر این باوریم که پرداختن به علل ریشه‌ای بحران‌های انسانی و وضعیت‌های اضطراری و همچنین سرمایه‌گذاری بیشتر در زمینه پیشگیری، تنها راه‌حل‌های پایدار برای این پدیده جهانی است. به نظر ما، تمام اصول و اهداف منشور ملل متحد، به ویژه احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، باید توسط همه کشورها و همچنین سازمان‌های کمک بشردوستانه به‌شدت رعایت شود، در همین راستا، هرگونه بحران یا شرایط اضطراری بشردوستانه، به‌ویژه آت‌هایی که عمداً تحت یک برنامه سیاسی مشخص و پنهان ایجاد شده‌اند، نباید منجر به مداخله خارجی نظامی، از جمله به بهانه مسئولیت حمایت شود. ارشادی تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران بر اهمیت فعالیت‌های کمک‌های بشردوستانه، از جمله «سیستم پاسخ بشردوستانه سازمان ملل متحد» و ضرورت حفظ ماهیت صرفاً بشردوستانه آن تأکید می‌کند. نگرانی‌های مشروع در مورد انحراف کمک‌های بشردوستانه و همچنین فعالیت‌های غیربشردوستانه تحت عنوان ارائه کمک‌های بشردوستانه باید به‌صورت فوری با تحقیقات کامل و مستقل پاسخ داده شود. وی افزود، ما بر این عقیده هستیم که مقابله پایدار با وضعیت‌های بشردوستانه مستلزم بسیج منابع با اتخاذ رویکردهای تأمین مالی پیش‌بینی شده در سیستم بودجه سازمان ملل است. در این راستا، کسانی که با مشارکت در محاسبات یا تهیه تسلیحات پیشرفته در جنگ‌ها و اشغال طولانی کشورها نقش دارند، باید بار بیشتری را در تأمین مالی پاسخ‌های بشردوستانه سازمان ملل به دوش بکشند.

حسن بهشتی پور در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

غرب روی مشکلات درونی ایران سرمایه‌گذاری کرده است

باید قطعه‌نامه‌ها را جدی بگیریم

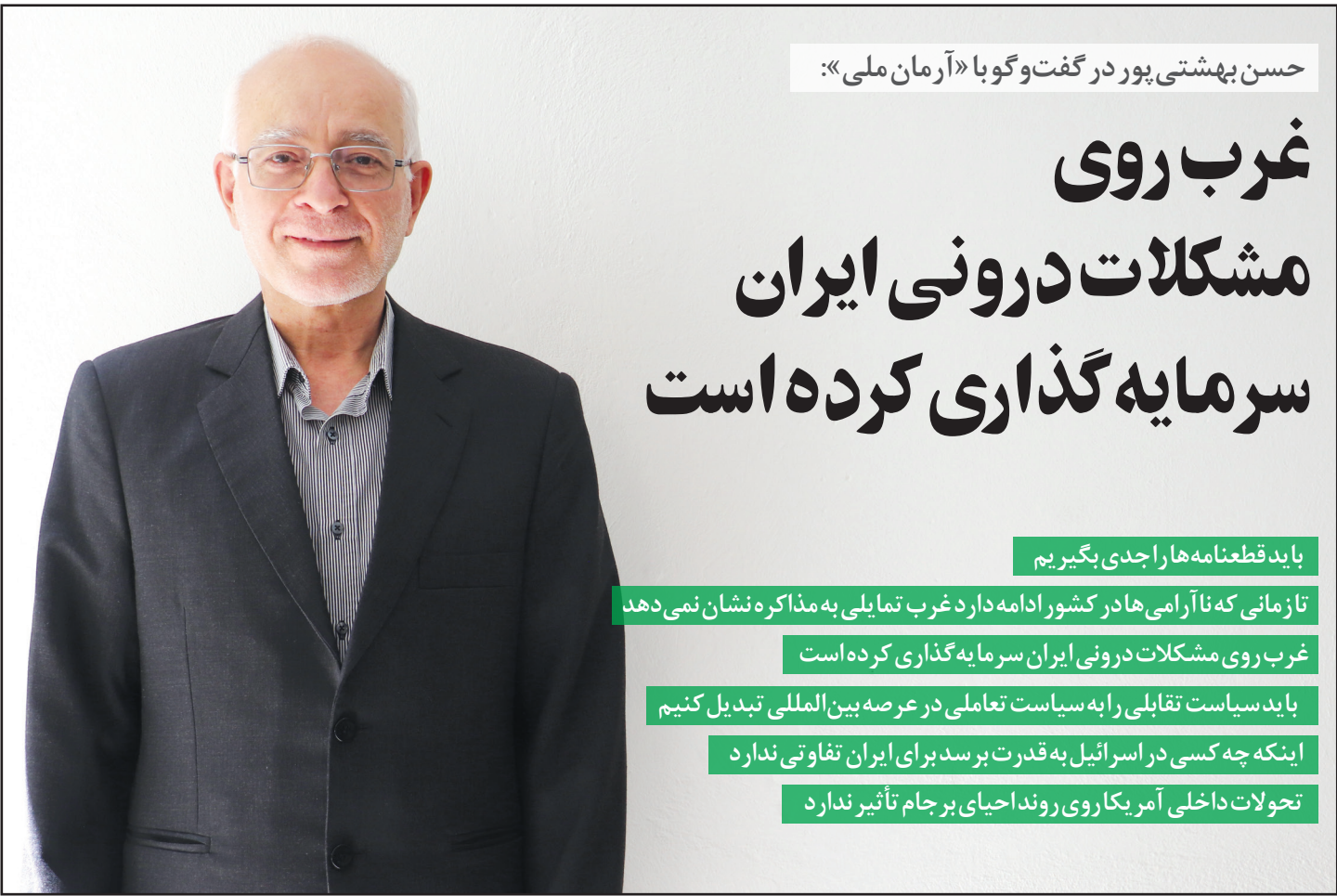
تازمانی که ناآرامی‌ها در کشور ادامه دارد غرب تمایلی به مذاکره نشان نمی‌دهد

غرب روی مشکلات درونی ایران سرمایه‌گذاری کرده است

باید سیاست تقابلی را به سیاست تعاملی در عرصه بین‌المللی تبدیل کنیم

اینکه چه کسی در اسرائیل به قدرت برسد برای ایران تفاوتی ندارد

تحولات داخلی آمریکا روی رونداحیای برجام تأثیر ندارد



آرمان ملی – احسان انصاری: آیا از دست دادن فرصت‌های احیای برجام باعث شده پرونده احیای برجام بسته شود؟ چرا غرب دوباره از وجود گز بنه نظامی علیه ایران صحبت می‌کند؟ ناآرامی‌های داخلی در ایران چه تأثیری در رونداحیای برجام و روابط ایران و غرب خواهد داشت؟ چرا موضوع حقوق بشر پیرامون ایران بر پرونده هسته‌ای سایه افکنده است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین الملل گفت‌وگو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «شرایط کشور با توجه به برخی ناآرامی‌ها در گذشته به گونه‌ای است که طرف مقابل دست نگه‌داشته و منتظر نتیجه ناآرامی‌هاست تا با توجه به این موضوع تصمیم بگیرد. طرف آمریکایی نیز با این شیوه همسواست. با توجه به این شرایط و قرائن باید به جای اینکه انتظار داشته باشیم در سال مسیحی پیش‌رو اتفاقی بیفتد ابتدا باید بحران در داخل را مدیریت کنیم اگر مشکلات در داخل کشور حل شود همبستگی ملی به وجود می‌آورد ویم و اجازه مداخله خارجی را نمی‌دهیم به عبارت دیگر از شرایط ایران برای گرفتن امتیاز بیشتر و احیاناً مداخله در کشور سوءاستفاده نمی‌شود. امروز ما نیاز داریم اقداماتی انجام بدهیم که در نهایت به مدیریت بحران منجر شود و مشکلات ایران به وسیله ایرانیان حل و فصل شود.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

اقداماتی انجام بدهیم که در نهایت به مدیریت بحران منجر شود و مشکلات ایران به وسیله ایرانیان حل و فصل شود. غرب از ابتدای انقلاب بهانه‌های مختلفی برای فشار بر ایران داشت. بحث هسته‌ای و بحث حقوق بشر و بحث ادعای حمایت از تروویست بود و بحث مداخله در امور کشورهای منطقه بود که اسم آن را بی‌ثبات سازی منطقه‌ای گذاشتند همه اینها بود و همچنین بحث موشک‌های ایران مطرح شد و ده‌ها موضوع به نظر نمی‌رسد، این فضای خاص برای تحریک غربی‌ها روی اختلاف درونی کشور، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به دنبال تغییر رویه یا تغییر بنیادین هستند. ازمنظر اقتصادی در اندازده چهره ایران فضای خاص غربی‌ها را به این نتیجه برساند که محدودیت‌های اقتصادی بیشتری علیه صادرات نفتی غیررسمی ایران اعمال کنند. البته پرونده‌سازی علیه ایران در شورای حکام و آژانس ادامه دارد، در ابتدای اسفندماه قرار است دوباره موضوع ایران در شورای حکام طرح شود، آنجا دوباره یک قطعه‌نامه علیه ایران صادر می‌شود و موضوع راهی شورای امنیت سازمان ملل می‌شود. در همین راستا، قطعه‌نامه‌های حقوق بشر علیه ایران تداوم خواهد داشت. یعنی آمریکا از طریق این دو مسیر سعی می‌کند افکار عمومی داخلی و خارجی را برای برخورد با ایران توجیه کند. هر اندازه چهره ایران تخریب شود، زمینه برای اتخاذ تصمیمات تند علیه ایران فراهم می‌شود. اما اینکه بخواهند صادرات نفتی ایران را مسدود کنند با توجه به نیاز غرب به انرژی ایران بعید است.

تحولات داخلی آمریکا و اسرائیل چه تغییراتی در معادلات احیای برجام و آینده سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواهد داشت؟

پیشنهاد من به دستگاه دیپلماسی این است که قطعه‌نامه‌ها را جدی بگیرد. همه اینها زمینه‌سازی است برای اینکه اروپایی‌ها به استناد اینها مکانیسم ماشه را فعال کنند. چون اتحادیه اروپا از برجام خارج نشده و این حق را برای خودش قائل است که بتواند مکانیسم ماشه را فعال کند؛ اما بهانه‌اش این می‌تواند همین قطعه‌نامه‌های شورای حکام و شورای حقوق بشری باشد که علیه ما صادر می‌شود. بنابراین دستگاه دیپلماسی ما باید با مذاکره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این مساله را حل کند و بهانه را از دست آنها بگیرد. نکته دیگر اینکه شیوه‌ها و راهبرد نتانیاهو و یائیر لاپید هیچ تفاوتی ندارد؛ آنها دشمن اولشان را این می‌دانند و تمام امکاناتشان را بسیج کرده‌اند و از نظر دیپلماسی و رسانه‌ای دارند علیه ایران کار می‌کنند. نکته دوم اینکه اصلا در داخل آمریکا مساله برجام شاید اولویت هشتم و نهم هم نباشد. معیار مردم آمریکا در رأی دادن، به خصوص برای مجلس نمایندگان و سنا، مسائل داخلی خودشان است. در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ این مساله اولویت مثل اینکه قیمت بنزین چقدر شد یا نرخ تورم چقدر است و اصلاً چنین چیزی نیست که به این نماینده رأی بدهند که مثلاً موضع او در برجام چه باشد. می‌گفتند بایدن منتظر نتایج انتخابات کنگره است. به دلیل اینکه بداند آیا اکثریت قوی دارد تا با ایران توافق کند؟ ولی وقتی شرایط دو ماه اخیر در ایران پیش آمد، عملاً آمریکایی‌ها منتظر هستند ببینند نتایج این ناآرامی‌ها در ایران چه می‌شود. آنها دنبال بهره برداری و میوه چینی از این شرایط ایران هستند؛ مثل گرگ نشسته‌اند تا ببینند چه وضعیتی برای ایران پیش می‌آید. بنابراین من فکر می‌کنم در این شرایط خیلی مهم است که ما توجه کنیم، برجام معطل کنگره آمریکا و تحولات اسرائیل نیست بلکه دقیقاً آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها معطل هستند ببینند که نتیجه این ناآرامی‌ها و تظاهرات در ایران به کجا می‌انجامد و متناسب با آن تصمیم بگیرند که چه اقدامی انجام بدهند. اما مساله «حقوق بشر» حساس تر و مهم‌تر از پرونده سازی هسته‌ای است. چون در پرونده سازی هسته‌ای تا حدودی یک همذات پنداری بین‌المللی برای ایران به وجود آمده بود؛ به خصوص بعد از برجام که ایران برجام را اجرا کرد و این آمریکایی‌ها بودند که از آن خارج شدند. اما حقوق بشر موضوعی است که حتی دوستان ایران هم در سطح بین‌المللی دچار مشکل شده‌اند.

نفع خودشان بهره برداری می‌کنند. آنها می‌خواهند یک طرح فروپاشی از درون را در ایران اجرا کنند و با کمترین هزینه به اهداف خود برسند. هر چند گزینه نظامی علیه ایران هرگز از روی میز برداشته نشده، اما هرگز هم

قدمی برای اجرای آن برداشته نشده است. این رویکرد اشتباه از یک طرف منطقه را درگیر ناآرامی می‌کند و از سوی دیگر با توجه به تجربیات قبلی، تأثیری نخواهد داشت. غربی‌ها روی اختلاف درونی کشور، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به دنبال تغییر رویه یا تغییر بنیادین هستند. ازمنظر اقتصادی در اندازده چهره ایران فضای خاص غربی‌ها را به این نتیجه برساند که محدودیت‌های اقتصادی بیشتری علیه صادرات نفتی غیررسمی ایران اعمال کنند. البته پرونده‌سازی علیه ایران در شورای حکام و آژانس ادامه دارد، در ابتدای اسفندماه قرار است دوباره موضوع ایران در شورای حکام طرح شود، آنجا دوباره یک قطعه‌نامه علیه ایران صادر می‌شود و موضوع راهی شورای امنیت سازمان ملل می‌شود. در همین راستا، قطعه‌نامه‌های حقوق بشر علیه ایران تداوم خواهد داشت. یعنی آمریکا از طریق این دو مسیر سعی می‌کند افکار عمومی داخلی و خارجی را برای برخورد با ایران توجیه کند. هر اندازه چهره ایران تخریب شود، زمینه برای اتخاذ تصمیمات تند علیه ایران فراهم می‌شود. اما اینکه بخواهند صادرات نفتی ایران را مسدود کنند با توجه به نیاز غرب به انرژی ایران بعید است.

با توجه به شرایط موجود رابطه ایران و غرب در آینده به چه سمتی خواهد رفت؟

ما به این موضوع تصمیم بگیرد. طرف آمریکایی نیز با این شیوه همسواست. با توجه به این شرایط و قرائن باید به جای اینکه انتظار داشته باشیم در سال مسیحی پیش‌رو اتفاقی بیفتد ابتدا باید بحران در داخل را مدیریت کنیم اگر مشکلات در داخل کشور حل شود همبستگی ملی به وجود می‌آوردیم و اجازه مداخله خارجی را نمی‌دهیم به عبارت دیگر از شرایط ایران برای گرفتن امتیاز بیشتر و احیاناً مداخله در کشور سوءاستفاده نمی‌شود. امروز ما نیاز داریم

پیشنهاد طرف مقابل، تعیین‌کننده و تأثیرگذار نبود که ایران بخواهد مبتنی بر آن به سمت احیای برجام حرکت کند. اگر غرب اعلام می‌کرد که تحریم‌ها را تعلیق می‌کند، ایران به سمت توافق حرکت می‌کرد. به صورت بطئی و غیر مشخص اعلام‌ده که تحریم‌ها ابتدا قرار است تعلیق می‌کند، ایران به سمت توافق حرکت می‌کرد. به صورت بطئی و غیر مشخص اعلام شد که تحریم‌ها ابتدا قرار است تعلیق شود و بعد مرحله به مرحله لغو شوند. ایران هم این رویکرد را نپذیرفت. اما اگر بخواهیم

پیشنهاد طرف مقابل، تعیین‌کننده و تأثیرگذار نبود که ایران بخواهد مبتنی بر آن به سمت احیای برجام حرکت کند. اگر غرب اعلام می‌کرد که تحریم‌ها را تعلیق می‌کند، ایران به سمت توافق حرکت می‌کرد. به صورت بطئی و غیر مشخص اعلام‌ده که تحریم‌ها ابتدا قرار است تعلیق شود و بعد مرحله به مرحله لغو شوند. ایران هم این رویکرد را نپذیرفت

آمریکا و اروپا دو تجربه شکست خورده از نبرد در عراق و افغانستان دارند. بر اساس آمار خودشان بیش از ۷تریلیون دلار برای این دو نبرد هزینه شده و به نتیجه مورد نظر نرسیده‌اند. اینکه تصور کنیم، آمریکا دوباره صابون یک جنگ تازه را به تن می‌زند، بعید است. غرب بر روی مشکلات درونی ایران سرمایه‌گذاری کرده است. آنها دنبال این هستند از طریق اعتراض و ناآرامی‌ها، ماهی‌های مورد نظر خود را از آب گل‌آلود ایران صید کنند. توجه داشته باشید آمریکایی‌ها از این فضا به

فرارو

سینکال‌های آغاز اصلاحات؛ الزامات وزمینه‌ها

در چند وقت اخیر گزارش‌هایی از دیدار فعالان سیاسی و دانشگاهی با مسئولان ارشد کشور به منظور ارائه راهبرد برای گام برداشتن در مسیر اصلاح امور منتشر شده است. در این میان، مهم‌ترین آنها نشست جمعی از فعالان سیاسی با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده که از سوی افرادی همچون آذر منصوری، دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران جزئیاتی از آن منتشر شد. همچنین، قبل از این دیدار، گزارش‌هایی از نشست هیأت رئیسه جبهه اصلاحات ایران با حضور افرادی همچون آذر منصوری، علی شکوری‌راد، بهزاد نبوی، جواد امام، الیاس حضرتی، محمود صادقی و حسین مرعشی با رئیس قوه قضائیه و علی شمخانی منتشر شده بود. همزمان با این نشست‌ها در عرصه میدانی نیز می‌توان سویه‌های از آغاز روند اصلاحات را مشاهده کرد. آزادی برخی از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر و تأکید مسئولان بر ایجاد کمیته حقیقت‌یاب پیرامون بررسی حوادث اخیر، از جمله اقدامات ابتدایی است که به نظر می‌رسد نهادهای رسمی به عنوان مقدمات آغاز مسیر اصلاح در کشور اتخاذ کرده‌اند. با این وجود، اکنون برای عموم جامعه و البته ناظران مسائل سیاسی و اجتماعی این مساله قابل طرح است که انجام هر گونه اصلاحاتی در بستر فضای کنونی کشور چه الزاماتی دارد؟ و آیا روندهایی که از آن به عنوان نموده‌ای آغاز اصلاحات یاد می‌شود، می‌توانند کافی و موثر باشند؟

پدیرش بی‌نظمی

انجام هر گونه اصلاحات در سطح کلان نیازمند پدیرش بی‌نظمی به‌صورت مساله‌است. تازمانی که یک سیستم با نظام سیاسی نپذیرد، بخشی یا بخش‌هایی از مجموعه با کژکار کرد و نقص مواجه هستند، اساساً فرآیندی به نام اصلاحات کلید نخواهد خورد. حالا به نظر می‌رسد اساس بی‌نظمی پذیرفته شده و دیدگاه صاحبنظران برای اصلاح روند مورد پرسش قرار گرفته است. در وضعیت جاری به نظر می‌رسد، ضرورت حتمی انجام اصلاحات تا حدود زیادی پذیرفته شده‌است. آن‌چنانکه علی‌اکبر آشتیانی، عضو دفتر حضرت امام نیز می‌گوید: «ما باید حتماً دست به یکسری اصلاحات بزنیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم باید یکسری اصلاحات را انجام دهیم.» به هر حال این روزها اخباری همچون آزادی بازداشت‌شدگان، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب و نشست‌های مسئولان ارشد با فعالان سیاسی بازنشر شده، اما مساله اساسی این است که آیا این اقدامات کافی و مقبول جامعه هستند؟ در پاسخ به این پرسش، در نگاه ابتدایی نوع اظهارات مسئولان نسبت به آغاز مسیر اصلاحات با ایرادی اساسی مواجه است. ایراد از این جهت که از به کار بردن واژه «آغاز اصلاحات در کشور» اکراه دارند. گویی سخن گفتن از اینکه می‌خواهیم اصلاحات انجام دهیم، نقطه ضعفی برای آنهاست. در نخستین گام برای آغاز هرگونه روند اصلاحات در کشور، ضرورت شفاف‌سازی، صراحت بیان و البته سرعت عمل بیشتر در برداشتن گام‌های عملی است. یعنی گام‌هایی عینی برداشته شود که مردم نیز تغییر را احساس و لمس کنند.

الزامات و گام‌های اساسی انجام اصلاحات

علاوه بر ضرورت شفافیت، سرعت عمل و تعامل مستقیم مسئولان با مردم، از دیگر الزامات انجام اصلاحات، داشتن نقشه‌راه منطقی برای تحقق این روند است. در این زمینه، سه مولفه هدف، گستره و امکانات باید مورد توجه جدی واقع شوند. در سطح ابتدای مشخص شود هدف انجام اصلاحات چیست؟ اگر هدف این باشد که برای ایجاد رضایت‌بخشی در جامعه و پایان ناآرامی‌ها در کشور، سطحی از تغییرات صورت بگیرد، بدون تردید اصلاحات، بدون دستاورد ایجابی خواهد بود. تنها در صورتی که هدف از انجام اصلاحات، بهبود وضعیت کلان جامعه و بهبود امور حکمرانی باشد، می‌توان از ایجابی و مثبت بودن روند، سخن به میان آورد. در سطح دوم، تعیین دایره و محدوده اصلاحات از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. اینکه اصلاحات قرار است چه حوزه‌هایی را شامل شود و چه مسائلی را در برمی‌گیرد، نه تنها اهمیتی ویژه دارد بلکه باید برای جامعه نیز مشخص باشند. همچنین، اینکه در اصلاحات موردنظر، مطالبات کدام گروه‌ها و جریان‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد نیز اهمیت دارد. اصلاح و اصلاحات، عنوان کلی هستند که دامنه آن می‌تواند از جزئی‌ترین مسائل تا کلان‌ترین موضوعات را مشمول شود. بر همین مبنا اینکه اصلاحات موردنظر در ایران می‌خواهد در چه سطحی باشد و چه موضوعاتی را شامل شود، باید با صراحت به جامعه بازنامی شود. در مجموع در خواش نهایی این الزام، توجه به این موضوع ضروری است که اصلاحات یک فرآیند پویاست که دائماً باید با مقتضیات و مطالبات زمانه هماهنگ شود. اینکه اصلاحات در مقام یک پروژه مقطعی در نظر گرفته شود و پس از استقرار آرامش در جامعه، مجدداً مورد فراموشی قرار بگیرد، تنها به انباشت هر چه بیشتر مطالبات منجر خواهد شد. علاوه بر دو سطح ابتدایی، امکانات و لوازم انجام اصلاحات نیز دیگر مولفه مهم در این زمینه است. اینکه اصلاحات تنها در سخن و اظهارنظر نباشند و زمینه‌هایی عینی آن فراهم شود، اهمیتی بسیار فراترند تر از خود طرح موضوع و مجورهای اصلاحات دارد.